



## Comparison of General Rules of Contracts with Specific Rules Governing Capital Market Transactions (Stock)

Mohedeseh Sadat Razavi<sup>1</sup>, Mostafa Namdar Poorbangar<sup>2\*</sup>

1. Law Group, Faculty of Humanities, Tehran West Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Law Group, Faculty of Humanities, Abadeh Branch, Islamic Azad University, Abadeh, Iran.

### ABSTRACT

**Background and Aim:** In this paper, an attempt has been made to compare the general rules of contracts with the specific rules governing capital market transactions.

**Method:** The current paper is descriptive and analytical and the library method is used.

**Ethical Considerations:** In this paper, the originality of the text, honesty and trustworthiness are observed.

**Results:** The characteristics of contracts and stock markets have caused that the general rules of the civil law and other regulations are not enough to regulate stock transactions. Contrary to the general rules of the civil law, which is sufficient for the correctness of the transactions, compliance with the general conditions of the transaction, including the articles of article 190 of the civil law, such as the intention and consent of the parties, the capacity, the specific subject and the legitimacy of the purpose, in the case of capital market transactions, in addition to that, other conditions such as market transparency, fair competition, the principle of supervision and the formality of transactions are also necessary. Therefore, the general conditions of the civil law have been expanded with the emergence of the capital market and its related rules and new conditions have been added to it.

**Conclusion:** The differences between stock market transactions and other transactions require that certain principles and rules govern stock market transactions. Transactions in the capital market are carried out according to the rules and regulations of the capital market. In the various stages of conclusion, validity, conditions are somewhat according to the general rules of contracts and in the stage of discharge, they are based on capital market contracts and stock exchange organizations supervise the process. In this type of transactions, the way of doing the transaction is determined by the stock exchange organizations and is not left to the will of the parties.

**Keywords:** Specific Rules; Rules Governing Transactions; Capital Market; General Rules of Contracts

**Corresponding Author:** Mostafa Namdar Poorbangar; **Email:** [mnamdar1390@gmail.com](mailto:mnamdar1390@gmail.com)

**Received:** November 08, 2022; **Accepted:** February 12, 2023; **Published Online:** March 07, 2023

### Please cite this article as:

Sadat Razavi M, Namdar Poorbangar M. Comparison of General Rules of Contracts with Specific Rules Governing Capital Market Transactions (Stock). Medical Law Journal. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e9.



## مجله حقوق پزشکی

دوره شانزدهم، ویژه‌نامه تحولات حقوقی، ۱۴۰۱

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



# مقایسه قواعد عمومی قراردادها با قواعد اختصاصی حاکم بر معاملات بازار سرمایه (بورس)

محدثه سادات رضوی<sup>۱</sup>، مصطفی نامدار پوربنگر<sup>۲\*</sup>

۱. گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد آباء، دانشگاه آزاد اسلامی، آباء، ایران.

### چکیده

**زمینه و هدف:** در این مقاله تلاش شده به بررسی تطبیقی قواعد عمومی قراردادها با قواعد اختصاصی حاکم بر معاملات بازار سرمایه (بورس) پرداخته شود.

**روش:** مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

**ملاحظات اخلاقی:** در این مقاله، اصالت متن، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

**یافته‌ها:** ویژگی‌های قراردادها و بازارهای بورس موجب شده است که قواعد عام قانون مدنی و دیگر مقررات، برای تنظیم معاملات بورس کافی نباشد. برخلاف قواعد عام قانون مدنی که صرفاً برای صحت معاملات رعایت شرایط عمومی معامله، از جمله موارد ماده ۱۹۰ قانون مدنی همچون قصد و رضای طرفین، اهلیت، موضوع معین و مشروعیت جهت کافی است در خصوص معامله‌های بازار سرمایه علاوه بر آن شروطی دیگری همچون شفافیت بازار، رقابت منصفانه، اصل نظارت و تشریفاتی بودن معاملات نیز ضروری است. بنابراین شروط عمومی قانون مدنی با ظهور بازار سرمایه و قواعد مربوط به آن گسترش یافته و شروط جدیدی به آن اضافه شده است.

**نتیجه‌گیری:** تفاوت‌های بین معاملات بورس با سایر معاملات اقتضا می‌کند که اصول و قواعد خاصی بر معاملات بورس حاکم باشد. معاملات در بازار سرمایه بر اساس قوانین و مقررات بازار سرمایه انجام می‌شود. در مراحل مختلف انعقاد، اعتبار، شروط تا حدودی بر طبق قواعد عمومی قراردادها و در مرحله انحلال بر اساس قراردادهای بازار سرمایه است و سازمان‌های بورس‌ها بر روند آن نظارت دارند. در این نوع معاملات نحوه انجام معامله توسط سازمان‌های بورس مشخص می‌شود و به اراده طرفین واگذار نمی‌شود.

**واژگان کلیدی:** قواعد اختصاصی؛ قواعد حاکم بر معاملات؛ بازار سرمایه (بورس)؛ قواعد عمومی قراردادها

نویسنده مسئول: مصطفی نامدار پوربنگر؛ پست الکترونیک: [mnamdar1390@gmail.com](mailto:mnamdar1390@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۳؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۱۶

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Sadat Razavi M, Namdar Poorbangar M. Comparison of General Rules of Contracts with Specific Rules Governing Capital Market Transactions (Stock). Medical Law Journal. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e9.

## مقدمه

قواعد عمومی قراردادهای، با رعایت شروط صحت و اصول متعارفی که جاری بر آن است، زمینه تحصیل تراضی و انعقاد معامله را فراهم می‌نماید و لازم به ذکر است حاکمیت اراده متعاملین به عنوان یک اصل و قاعده پذیرفته شده است. «اصل حاکمیت اراده یک اصل بسیار مهم فلسفی است که از قرن‌ها پیش مورد توجه حقوقدانان بوده و مبنای نظریه تعهدات به حساب می‌آید» (۱). تجارب گذشته نشان داده است که آزادی قراردادی راه عادلانه تأمین نظم در روابط مالی مردم است، به همین جهت در اقتصاد آزاد قانونگذار ترجیح می‌دهد به جای وضع قاعده برای تمامی روابط نامحدود اجتماعی توافق اشخاص را محترم شمرده و صرفاً در مواردی که نظم عمومی و منافع جامعه ایجاب می‌نماید، این آزادی را محدود کند (۲). در مقاله حاضر تلاش شده به بررسی مقایسه قواعد عمومی قراردادهای با قواعد اختصاصی حاکم بر معاملات بازار سرمایه (بورس) پرداخته شود. با تصویب قانون بازار اوراق بهادار در آذرماه ۱۳۸۴، قواعد جدیدی بر بازار سرمایه حاکم گردید و نظام تازه‌ای بر اساس سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴ قانون اساسی و تلاش به خصوصی‌سازی بر مبنای گسترش بورس بنا نهاده شد. به دلیل اهمیت روزافزون معاملات در بازار سرمایه و همچنین نیاز مبرم به تدوین قوانین و قواعد متناسب با این بازار و هماهنگی با دیگر قوانین کشورمان، از نظر تئوری و نظری بررسی حقوقی روابط این داد و ستد اهمیت بسیار زیادی دارد. آشنایی با ساختار و جایگاه حقوقی ارکان بورس اوراق بهادار، از جمله شورای عالی بورس، سازمان بورس و... شناخت ماهیت عملکرد حقوقی آن‌ها و مسئولیت‌ها و آثار قانونی حاکم بر آن، مدل‌های معاملات سهام در این بازار و ماهیت قانونی آن و نیز شرایط و روش انجام معاملات و همچنین قوانین حاکم بر آن‌ها و به تبع آن حل مشکلات و معضلات حقوقی نشأت گرفته از این معاملات، اثرات این معاملات در صورت انعقاد، فسخ، عدم قطعیت و نیز مغایرت و مطابقت آن‌ها با قوانین عادی دیگر و قانون اساسی از موارد بسیار مهم و خطیر بازار سرمایه است که روشن شدن آن‌ها

می‌تواند کمک بسیار بزرگی در رفع موانع حقوقی آن معاملات داشته باشد. از سوی دیگر بررسی تأثیرات این قواعد و قوانین حاکم بر این بازار که عموماً به صورت اختصاصی برای این بازار تأسیس و اجرایی شده است، بر قواعد عام و عمومی قراردادهای، خود می‌تواند علاوه بر ترمیم معضلات و مشکلات آن قواعد به بهبود و بهینه‌سازی قوانین بازار سرمایه نیز کمک نماید. همینطور می‌توان به این مهم نیز پرداخت که قواعد جدیدی که این بازار مؤسس آن بوده و شکل جدیدی به معاملات داده چه تأثیری بر قواعد عمومی داده است. این تأثیرات که خود سبب گسترش قواعد عمومی شده است، اشکال تازه‌ای از معاملات را هم به قواعد سنتی و عمومی قراردادهای اضافه نموده و مسبب گسترش این قواعد خواهد شد، لذا بررسی این تأسیسات و اشکال جدید برای رسیدن به شناخت کافی و لازم، هم در خصوص قواعد بازار سرمایه به طور خاص و هم در مورد قواعد عمومی قراردادهای ضروری خواهد بود و دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد.

گسترده‌گی دامنه ارتباطات روزافزون بشری در طی سال‌های اخیر که حاصل پیشرفت‌های نوین علمی و صنعتی می‌باشد همچنین پذیرش اصل آزادی قراردادی در اکثر نظام‌های حقوقی در مورد انعقاد قراردادهای خصوصی موجب به وجود آمدن قراردادهای پیچیده شده است که شمار شروط مندرج در این نوع قراردادهای بر پیچیدگی آن می‌افزاید، فلذا می‌طلبد که درباره قواعد عمومی قراردادهای به بررسی و تحقیق بیشتری پرداخته شود، زیرا با سکوت قانونگذار در مورد رعایت شرایط قواعد عمومی قراردادهای بانوجه به مقررات حاکم بر بازار سرمایه، حقوقدانان را به ارائه نظرات مختلف و متضادی واداشته است و نیز افراد سودجو با توجه به این سکوت قانونگذار در بعضی مواقع با توسل به شرایطی خلاف برای قواعد عمومی قراردادهای به اهداف نامشروع خود در بازار سرمایه (بورس) می‌رسند. بنابراین اهمیت شرایط قواعد عمومی قراردادهای از طرفی و فقدان مجموعه کامل و واضح در مورد مقررات حاکم بر بازار سرمایه باعث گردید که این قواعد نتواند پاسخگوی مسائل غامض و پیچیده آن باشد. همین امر،

ضرورت تحقیق و تتبع پیرامون موضوع یادشده را دوچندان نمود.

در خصوص معاملات بورس پژوهش‌های متعددی انجام شده است: سیدعلی حسینی و فاطمه مرشدی، در مقاله‌ای به بررسی تأثیر احساسات سرمایه‌گذاران بر پویایی معاملات بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند (۳). محسن صادقی و فهیمه یادگاری نیز از منظر حقوقی و اقتصادی، وضعیت معاملات سهام ثبت‌شده در سازمان بورس خارج از بورس اوراق بهادار را تحلیل کرده‌اند (۴). همچنین خلیل‌الله احمدوند و ستاره آزادی، در مقاله‌ای از دیدگاه فقهی، معاملات بورس را بررسی کرده‌اند (۵). در پژوهش‌های یادشده، بحثی از مقایسه قواعد عمومی قراردادهای با قواعد اختصاصی حاکم بر معاملات بازار سرمایه به میان نیامده و نوآوری مقاله حاضر بررسی موضوع مورد اشاره است. سؤال مقاله پیش رو به این شکل قابل طرح است که قواعد اختصاصی حاکم بر معاملات بازار سرمایه (بورس) در مقایسه با قواعد عمومی قراردادهای کدام است؟ فرضیه مقاله نیز به این صورت مطرح شده است که «معاملات بازار سرمایه علاوه بر قواعد عمومی قراردادهای دارای قواعد اختصاصی مانند شفافیت بازار، رقابت منصفانه، اصل نظارت و تشریفاتی‌بودن معاملات است.» به منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا مفاهیم کلیدی بررسی شده و در ادامه از قواعد اختصاصی حاکم بر معاملات بازار سرمایه (بورس) در مقایسه با قواعد عمومی قراردادهای بحث شده است.

## روش

مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

## یافته‌ها

ویژگی‌های قراردادهای بازارهای بورس موجب شده است که قواعد عام قانون مدنی و دیگر مقررات، برای تنظیم معاملات بورس کافی نباشد. اصل شفافیت بازار بورس، اصل رقابت منصفانه در معاملات بورسی، اصل نظارت، اصل تشریفاتی

بودن معاملات و لزوم حل و فصل اختلافات حرفه‌ای بازار سرمایه از طریق هیأت داورى بورس، اصولی است که خاص این نوع معاملات هستند. برخلاف قواعد عام قانون مدنی که صرفاً برای صحت معاملات رعایت شرایط عمومی معامله، از جمله موارد ماده ۱۹۰ قانون مدنی همچون قصد و رضای طرفین، اهلیت، موضوع معین و مشروعیت جهت کافی است در خصوص معامله‌های بازار سرمایه علاوه بر آن شروطی دیگر همچون شفافیت بازار، رقابت منصفانه، اصل نظارت و تشریفاتی‌بودن معاملات نیز ضروری است. بنابراین شروط عمومی قانون مدنی با ظهور بازار سرمایه و قواعد مربوط به آن گسترش یافته و شروط جدیدی به آن اضافه شده است.

## بحث

۱. **مفهوم شناسی:** برای بررسی موضوعات مورد بحث ابتدا مفاهیم اصلی شناسایی و سپس ارتباط و نقش هر مفهوم با دیگر مفاهیم مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. از آنجایی که «بررسی قواعد اختصاصی حاکم بر معاملات بازار سرمایه (بورس) و مقایسه آن با قواعد عمومی قراردادهای دارای آثار حقوقی است از این جهت می‌بایست تمام واژگان آن به طور کامل مشخص شود که مراد از بازار بورس، قواعد عمومی قراردادهای و... چیست؛ بنابراین ابتدا به بیان تعریف لغوی خواهیم پرداخت.

۱-۱. **بازار سرمایه:** بازار بورس معاملاتی را شامل می‌باشد که در آن انواع سرمایه‌داران و یا شرکت‌های مختلف اعم از خدماتی و تولیدی منقش می‌باشند. می‌توان بازار سهام را نیز به بازار بورس اطلاق داد، اما تعریف اصولی آن تحت عنوان «بورس اوراق بهادار» شناسایی می‌شود. در این فرآیند انواع شرکت‌ها با توجه به برگه‌های سهام، برخورداری از سهام مربوطه را نشان می‌دهد، به این برگه‌ها اوراق بهادار گفته می‌شود. لازم به بیان می‌باشد که محلی که معاملات بازار بورس در آن صورت می‌پذیرد، تحت عنوان «تالار معاملات بورس» معرفی می‌شود.

۱-۲. **قواعد عمومی قراردادهای:** قرارداد عمومی یا دولتی قراردادی است که بین دولت و یا یک سازمان دولتی و یک شخص حقوقی حقوق خصوصی اعم از اتباع داخلی یا خارجی منعقد می‌شود و آن را در قراردادهای و عهدنامه‌های بین‌المللی نباید اشتباه کرد. قرارداد بین‌المللی، قرارداد بین دو دولت است، حال آنکه قرارداد عمومی بین دولت و یک طرف خصوصی است. اولی تابع حقوق بین‌الملل؛ دومی تابع حقوق عمومی داخلی است. اولی جنبه سیاسی دارد؛ در صورتی که دومی فاقد جنبه سیاسی است و معمولاً به منظور اداره خدمات عمومی یا بهره‌برداری از منابع و ثروت‌های ملی منعقد می‌شود و جنبه اقتصادی و تجاری دارد. در حقوق بازرگانی به این قبیل قراردادهای قراردادهای بین‌المللی می‌گویند که صحیح نیست، زیرا قراردادهای بین‌المللی منعقد بین دو دولت و تابع حقوق بین‌المللی عمومی است حال آنکه قراردادهای عمومی بین دولت و یک شخص اعم از اتباع داخلی یا خارجی بسته می‌شود که اصولاً تابع حقوق داخلی است. در هر حال قراردادهای عمومی در کلیه زمینه‌ها اعم از اجتماعی، اقتصادی و تجاری وجود دارد و از نظام واحدی پیروی نمی‌کنند. نفوذ حقوق عمومی در برخی از این قراردادهای کم و در برخی دیگر زیاد است، زیرا هر یک از این قراردادهای در زمینه خاصی با اقتضائات آن تنظیم می‌گردد و باید به صورتی باشد که نیازهای عمومی اجتماع برآورده گردد. در کل قراردادهای عمومی را بر حسب اصل لزوم قراردادهای و تبعیت یا عدم توانایی تبعیت آن از حقوق خصوصی می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: در گروه اول گرایش کلی به حقوق عمومی، یعنی تبعیت هرچه بیشتر از احکام و قواعد عمومی و نظام کشور و در گروه دوم گرایش کلی قراردادهای به تبعیت از حقوق خصوصی و احکام مرتبط با آن است، وجود دارد.

۱-۳. **انواع بازار سرمایه:** در هر کجا که زندگی جمعی انسان وجود دارد، همواره نیاز به وجود بازار، نمایان بوده است و در تمام دوره‌ها بر آن بودند که مکانی را به عنوان بازار تشکیل دهند. با توجه به تعاریف موجود، به محلی که مشتری و یا فروشنده داد و ستد خویش را انجام می‌دهند، بازار می‌گویند.

در این مکان‌ها، عموم با توجه به دارایی‌ها و سرمایه‌های خود به عنوان خریدار و یا فروشنده فعالیت می‌کنند. بنابراین محلی که به معاملات و داد و ستدهای اختصاصی دارد به عنوان بازار معرفی می‌شود. بورس هم یکی از انواع همین بازارها است، در نتیجه در بورس نیز فعالیت‌های معاملاتی صورت می‌پذیرد، اما پیشرفت‌هایی که در زمینه‌های مختلف، از جمله ارتباطات صورت گرفته است، موجب آن گردیده که بازار تنها به محل‌هایی مخصوص محدود نباشد و با توجه به تأثیر ارتباطات در معاملات و خرید و فروش‌ها، می‌توان امور مربوط به معامله را بدون محدودیت مکانی و زمانی به تحقق رساند و در این زمینه شاهد ساختارهای مختلف انواع بازارها با تنوع کالاها و خدمات هستیم. در معاملات، خدمات و کالاها با سرمایه‌های مختلفی مبادله می‌شوند. به صورت اجمالی دو مدل از انواع در داد و ستدهای مورد استفاده قرار می‌گیرد. یکی از آن‌ها دارایی‌های واقعی و دیگری دارایی‌های مالی می‌باشد. سرمایه‌های مالی یا دارایی‌های کاغذی، مالی است که سرمایه‌دار با توجه به سرمایه‌گذاری خود از سود سپرده خود بهره‌مند می‌شود. این اموال یا دارایی‌ها براساس دارایی‌های دیگر مورد سنجش قرار می‌گیرند، مثل اوراق و سهام انواع شرکت‌ها. در مقابل دارایی‌های واقعی به این شکل تعبیر می‌شوند که در قبل با استفاده از سرمایه‌های مالی به دست آمده‌اند که از انواع آن‌ها می‌توان به خودرو، ملک، طلا و... اشاره کرد (۶).

همانطور که مشخص گردید، بورس یکی از انواع بازارها می‌باشد، ولیکن در آن اموال متنوع مانند دارایی‌های واقعی و دارایی‌های مالی به منظور تشکیل انواع معاملات مد نظر قرار داده شده است. با توجه به تقسیم‌بندی‌های دارایی که بخش‌های مختلفی را شامل شد، بازار بورس نیز به بخش‌های متعددی مقسم است. یکی بازار بورس اوراق بهادار که در آن دارایی‌های مورد استفاده همان سرمایه‌های مالی و یا سرمایه‌های نقدی و کاغذی است که مورد داد و ستد قرار می‌گیرد و دیگری بازار بورس کالا می‌باشد که در این مجموعه سرمایه و یا دارایی‌های واقعی و یا بنا بر تعاریف موجود دارایی‌های غیر مالی و غیر کاغذی (اجناس فیزیکی) مورد

معامله قرار می‌گیرند، البته قابل ذکر است بازار بورس دیگری نیز وجود دارد که به آن بازار بورس ارز گفته می‌شود و در آن بر اساس ارزها و پول‌های رایج کشورهای مختلف و مؤثر در معاملات جهانی، فعالیت‌های مرتبط صورت می‌گیرد. در ادامه انواع بازار معرفی می‌شود مانند بازارهای مالی و غیر مالی و پس از آن بازار بورس مورد اشاره قرار خواهد گرفت تا اینکه هدف اصلی این تحقیق به ثمر برسد (۶).

۱-۳-۱. بازار اولیه: با توجه به تعریف به دست‌آمده از بند ۹ ماده ۱ قانون بازار مربوط به اوراق بهادار، بازاری که نخستین عرضه اوراق بهادار را مورد انتشار قرار می‌دهد، بازار اولیه نام دارد. همچنین به موجب انتشار می‌تواند منابع حاصله از عرضه این اوراق در دسترس باشد. بر اساس معامله این بازارها که بر مبنای اوراق جدیدالانتشار می‌باشد، سازمان‌های تازه تأسیس که به سرمایه‌گذاری به صورت درازمدت احتیاج دارند، با توجه به قوانین بانک، از گرفتن مبلغی به عنوان وام جهت سرمایه‌گذاری‌های اولیه محروم می‌باشند. این موضوع در حالی است که اوراق بهادار یا همان سهام از طرف سازمان‌های مربوطه به راحتی در دسترس نمی‌باشد و در صورت احساس نیاز، مورد نشر قرار می‌گیرند. ایجاد قوانینی که به موجب بازار اوراق بهادار در سال ۱۳۸۴ صورت گرفته است، به موجب ماده ۲۰ این قانون اینطور ذکر شده است: «عرضه عمومی اوراق بهادار در بازار اولیه منوط به ثبت آن نزد سازمان بورس و اوراق بهادار، با رعایت مقررات این قانون می‌باشد و عرضه عمومی اوراق بهادار به هر طریق بدون رعایت مفاد این قانون ممنوع است.» بر اساس بیانات قانون فوق‌الذکر، عرضه‌ای که به موجب دسترسی این اوراق صورت می‌گیرد، مشروط به ثبت و دریافت جواز می‌باشد، چراکه در این صورت قانون مورد احترام قرار می‌گیرد و رعایت می‌شود تا شخصی از حقوق خود باز نماند. بنابراین قوانین موجود در این سرمایه‌گذاری‌ها صرفاً به منظور احقاق حقوق تمامی اشخاص می‌باشد و با توجه به نوساناتی که در هر معامله ممکن است به وجود بیاید، ضمانت در سوددهی این بازارها ارائه نگردیده است، چراکه این موضوع در بند ۲۱ همین قانون مورد تذکر قرار گرفته است (۶). عرضه

اولیه نیازمند زمینه‌هایی مانند مجموعه فعالیت‌های مربوط به یکدیگر می‌باشد. بخش اصلی فرآیند این عرضه، آماده‌سازی بیانه ثبت و انجام مجموعه‌هایی که به منظور راستی‌آزمایی با اشتراک رؤسای سازمان‌ها در این امر، مشاوران مالی و حقوقی و همچنین شرکت‌هایی که منقش در تأمین سرمایه می‌باشند، صورت می‌پذیرد. از آنجایی که اطلاعات به دست‌آمده در این مرحله مهم‌ترین عامل قیمت‌گذاری اوراق بهادار است و به طور مستقیم خریداران را متأثر می‌کند، نقش مهمی را در بازار اولیه ایفا می‌نماید (۷).

در این بازار هدف از انتشار اوراق تأمین نیازهای مالی می‌باشد. به عنوان مثال اوراقی که توسط شهرداری تهران به منظور ساخت و یا بازسازی درخواست می‌شود پشتیبانی‌های مالی از طرف سازمان‌های مربوطه صورت می‌گیرد. هنگامی که فروش مستقیم صورت بگیرد و اوراق بهادار در همان ابتدا به واسطه سازمان‌های خصوصی و یا غیر خصوصی تشکیل می‌شود. بنابراین به این بازار، بازار اولیه می‌گویند.

شرکت‌هایی که به اوراق بهادار نیاز دارند، به منظور نشر اوراق بهادار به دو روش اقدام می‌نمایند یا اینکه خودشان نوع و مبلغ اوراق را مشخص می‌نمایند یا از طریق مؤسسات و سازمان‌هایی که در این زمینه آشنایی دارند و به صورت تخصصی فعالیت می‌نمایند. در دیگر کشورها سازمان‌هایی که انتشار اوراق بهادار را بر عهده دارند، تحت عنوان مؤسسه تأمین سرمایه شناخته می‌شوند. در ایران این اقدامات به گونه‌ای می‌باشد که اوراق بهادار جدیدالانتشار، می‌توانند با اقدامات مؤسسات کارگزاری تأمین شوند. شرکت‌های تأمین سرمایه به شرکت‌هایی اطلاق می‌شود که به عنوان واسطه میان سرمایه‌گذاری و مؤسسه‌ای که احتیاج به سرمایه دارند، قرار دارد، چراکه این شرکت‌ها با برخورداری از ابزارها و دانش مورد نیاز، اوراق بهادار را مورد رصد قرار می‌دهند و در مراحل فروش و همچنین انتشار آن، مساعدت می‌نمایند. بنابراین شرکت‌هایی که تحت عنوان شرکت سرمایه شناخته می‌شوند، صرفاً به منظور انتقال و یا جا به جایی سرمایه‌ها ایجاد شده‌اند، فلذا تأمین سرمایه و یا سرمایه‌گذاری وظیفه اصلی این



شرکت‌ها نمی‌باشد. ویژگی مهم این شرکت‌ها در بهینه‌سازی تأمین هزینه‌ها به منظور انتشار اوراق بهادار خلاصه می‌شود و سهولت تحصیل انتشار اوراق بهادار را میسر می‌سازند (۶).

۱-۳-۲. بازار ثانویه: در این بازارها سرمایه اولیه توسط شرکت‌ها صورت نمی‌پذیرد یا به عبارتی در اینجا سهام‌هایی معامله می‌شوند که در نخست توسط بازارهای اولیه انتشار یافته‌اند و اکنون به طور مجدد در بازارهای ثانویه معامله می‌شوند (۸).

بر اساس بند ۱۰ ماده ۱ قانون بازار اوراق بهادار، بازار ثانویه به بازاری اطلاق می‌شود که ابتدا در بازارهای اولیه مورد معامله و داد و ستد قرار گرفتند و پس از آن، معاملات صورت گرفته در این سهام‌ها در بازاری به عنوان بازارهای ثانویه مورد معامله قرار می‌گیرند، در نتیجه در این بازارها متقاضیان و عرضه کنندگان سهام قادرند بر اساس قوانین و قواعد موجود در این زمینه، خرید و فروش خود را انجام دهند، البته پیش‌نیاز معاملات بازار ثانویه، پایان یافتن معاملات بازار اولیه می‌باشد. بازار ثانویه را می‌توان به دو بخش متشکل و غیر متشکل تقسیم نمود. در بازارهای غیر متشکل یکی از تقسیم‌بندی‌های بازار ثانویه می‌باشد، در صورتی معامله صورت می‌گیرد که فرض بر نبودن بازار بورس باشد و قوانین حاکم بر آن به صورت عمومی و همه‌جانبه وجود داشته باشد. در اصل به محلی بازار سرمایه می‌گویند که بر اساس قواعد و قوانین حاکم معاملاتی صورت می‌گیرد. در غیر این صورت انعقاد معامله در خارج از این بعد، همان بازار غیر متشکل می‌باشد، اما بازار متشکل به بازاری اطلاق می‌شود که دولت به صورت مستقیم در ایجاد قوانین و قواعد موجود در آن وارد می‌شود و علاوه بر آن موظف به سازماندهی این نظام می‌باشد. بنابراین در برابر مشکلی که در بازارهای غیر متشکل مشاهده می‌شود دولت و تشکیلات آن می‌توانند از این طریق به صورت جبران‌گر واقع شوند و اهداف این مجموعه در اختیار جلوگیری از شکست‌پذیری بازار می‌باشد (۹).

در بازارهایی که خارج از قواعد بیان شده از سوی دولت فعالیت دارند یا همان بازارهای غیر متشکل، به منظور عقد قراردادهای

مربوط به اوراق بهادار، خریدار و فروشنده می‌بایست به صورت خود انتظام همدیگر را پیدا کنند، چراکه مکان مشخصی برای این بازارها مورد ذکر قرار نگرفته است و عرضه‌کننده و متقاضی از یکدیگر اطلاعی ندارند و این امر مسبب گستردگی این نوع بازارها شده است. بنابراین معاملات در این بخش با سرعت زیادی صورت نمی‌گیرد و هزینه‌های پرداختی و اتلاف وقت در این بازارها، از جمله موارد بارزی است که خریداران و فروشندگان آن‌ها را تجربه می‌نمایند. از طرفی ارزش‌گذاری در این میان توسط قواعد و یا یک مؤسسه تابع قوانین خاصی صورت نمی‌گیرد. بنابراین بازار غیر متشکل به عنوان بازار بورس شناخته نمی‌شوند. در مقابل سازمان‌هایی موجود می‌باشد که مایل به معامله در خارج از ابعاد قوانین حاکم بر بورس می‌باشند. بنابراین بازارهای غیر متشکل را برای ترتیب دادن معاملات گزینه مناسبی به عنوان انتخاب معرفی می‌نمایند. بازارهای ثانویه می‌توانند توسط تصمیمات معامله‌گران انتخاب محل شوند و در مکانی مشخصی، معاملات صورت پذیرد (۶).

۱-۴. معاملات سرمایه: قوانین و اصولی که در بازار بورس مورد توجه قرار می‌گیرد، تنوع شکل‌گیری قراردادها را مشخص می‌نمایند که بر این اساس، معاملات به دو شکل سنتی و آنلاین می‌تواند صورت پذیرد. با توجه به معاملات سنتی بورس که می‌توان اینطور بیان داشت: بازار بورس تهران با این شکل از معاملات شروع به فعالیت نمود. کارگزاران و خواهان معامله در بورس، در مراکز مشخصی حضور می‌یافتند و از طریق فرم‌هایی مشخص، به معاملات بورس می‌پرداختند، اما روشی که در معاملات آنلاین صورت می‌گیرد، روش نوین‌تری می‌باشد که بر مبنای شبکه‌های اینترنتی قابل دسترسی قرار گرفته است. بنابراین هدف از ایجاد چنین شبکه‌هایی، به منظور سهولت امر به وجود آمده است، از جمله بورس‌هایی که فعالیت خود را بر اساس داد و ستد آنلاین آغاز نمودند، فرابورس ایران و بازار بورس تهران بود. بنابراین در معاملات آنلاین دیگر نیاز به رجوع حضوری نمی‌باشد، در نتیجه باعث کاهش اتلاف انواع هزینه‌ها خواهد شد. معاملات

اجناس بعضی کشورها مثل هندوستان در صورت اجتناب فروشنده از استرداد اجناس، وضعیت تضامنی او در بازار با مخارج وی به حراج گذاشته شده و شخص دیگری جانشین او می‌گردد. به همین صورت خطر تخطی در بازار در عوض بورس یا افاق پایاپای، متوجه دیگر سرمایه‌گذاران در بازار خواهد شد (۱۱). پایبند نبودن به پیمان‌ها به وسیله خریدار و خودداری او از پرداخت وجه قرارداد هم در این بورس با واکنش اخیر مقابل می‌گردد، در حالی که در حقوق ایران و در داد و ستدهای بورس کالا خودداری خریدار از استرداد وجه قرارداد، موجب ضرورت استرداد وجه الزامی تا ۷ روز و پس از آن سبب باطل شدن آن می‌شود. ماده ۱۵ احکام تسویه و پایاپای بعد از اظهار زیان تأدیه ۷ روزه<sup>۱</sup> در ماده ۱۶ بیان می‌نماید «چنانچه نماینده خریدار تا پایان ۷ روز تقویمی پس از مهلت تسویه امور تسویه را انجام ندهد، معامله وی منفسخ گردیده و کارگزار خریدار مکلف است ۵ درصد ارزش معامله را به عنوان خسارت انفساخ به همراه سایر هزینه‌های مصوب شامل دوسر کارمزد بورس، کارمزد کارگزار فروشنده، دوسر کارمزد تسویه و دو سر حق نظارت سازمان، پرداخت نماید...» کنترل و نظارت بر فرآیند تحویل اجناس هم از جمله مزایای حقوقی دیگر می‌باشد که خریدار را از دریافت مال خریداری شده، آسوده‌خاطر می‌نماید. این کار از راه انبارداری و استاندارد کردن اجناس به دست می‌آید، ولی در داد و ستدهای بورس اجناس ایران هنوز چنین تدابیری برای بازار پیش‌نگری نشده است.

ممیزه‌های دیگر که برای داد و ستدهای بورسی در مورد اعمال یا رد قرارداد در برابر کلیه قراردادها می‌توان تلقی نمود عبارت است از منحصر بودن آن در اعمال یا رد قرارداد با تأدیه وجه الزامی. در حقیقت در داد و ستدهای بورسی پیمان‌نامه‌ها یا اعمال می‌شوند یا رد که شامل فسخ شدن یا ابطال می‌گردد. در این قراردادها خبری از ضرورت فرد تعهددار به اجرای تعهد خود نمی‌باشد، چراکه فرصتی برای این کارها وجود ندارد و با قواعدی مانند اعتماد و سرعت در این بازارها مخالف است، لذا در داد و ستدهای بورسی نخست کوشش بر اعمال اصول

سهام بمانند معاملاتی که خارج از بورس می‌باشند عمل نمی‌نماید، بلکه در این معاملات خریداران و فروشندگان حضورشان به منظور معامله واجب می‌باشد. بنابراین با مراجعه به دفاتر مربوطه می‌توان این معاملات را با توجه به سامانه‌ای که برای این مراکز منظور شده است و تحت عنوان سامانه معاملات نامیده می‌شود صورت داد (۶).

**۲. ضوابط حاکم بر اجرای معامله:** اعمال قرارداد و پیمان‌های ناشی از آن در بازار داد و ستدهای بورس اجناس بنا بر نظم و ترتیب‌هایی که به وسیله سازمان نظارتی اندیشیده شد و با توجه به چنین آراستگی‌هایی با باطن چنین بازاری اغلب بدون عیب و ایراد انجام می‌گیرد، به گونه‌ای که هر فرد خریداری با اطمینان از گرفتن اجناس مورد پسند و مورد ارائه در اطلاعیه عرضه و یا زیان ناشی از ابطال قرارداد بوده و هر فروشنده‌ای از گرفتن ثمن داد و ستد و دیگر حقوق خود اعتماد دارد. در حقیقت در این بازار به علت وجود یک رژیم مالی بدون ایراد و تحت نظارت و بررسی اسناد پرداخت غیر قابل متکی یا عدم داشتن حامی مورد بهره‌ر قرار نمی‌گیرد و تسویه کامل داد و ستد بر مبنای منتقل شدن وجه نقد یا سایر روش‌های پرداخت با اطمینان انجام می‌گیرد. بنابراین احتمال سوءبهره در آن به کمترین میزان می‌رسد. از این رو مزیت‌ها و کارآمدی بورس به درجات زیادتر از بازارهای بیرون از بورس می‌باشد. در یک معامله مالی که بر اساس وجه نقدی به وجود بیاید، هیچ کدام از دو طرف معامله مشکل مبلغ یا پرداختن وجه را ندارند، به گونه‌ای که حتی با اعتماد و اعتبار زیادتری به داد و ستدها روی می‌آورند و این فرآیند به طور آشکارا در بورس قابل نمایش می‌باشد (۱۰).

یکی از مزیت‌هایی که از جنبه حقوقی برای خریداران در بورس کالا وجود دارد، اعتماد از تلافی زیان‌های ناشی از استنکاف در قراردادها می‌باشد. در حقیقت رده‌بندی رژیم حاکم بر داد و ستدها در بورس اجناس به گونه‌ای است که خریدار، پریشان از پیمان‌شکنی فروشنده در مورد عرضه اجناس نشده و در صورت پیمان‌شکنی هم با جای‌گذاری مناسب و فوری تلافی می‌شود. قابل ذکر است که در بورس



قراردادهاست و در صورت رد، آنچه پدید می‌آید عبارت است از ابطال قرارداد و نه ضرورت بر اعمال عین تعهد.

**۲-۱. حقوق و تعهدات طرفین قرارداد:** در قراردادهای بورسی، مطابق الزامات، انجام داد و ستد از راه نمایندگان، مشتریان اصیل، طرف قرارداد خرید و فروش نیستند، بلکه نمایندگان آنان هستند که داد و ستد را انجام می‌دهند، لذا دو طرف یک قرارداد خرید و فروش بورسی عبارت از نماینده خریدار و نماینده فروشنده خواهند بود. به همین اعتبار هم معاهده‌های ناشی از قرارداد به صورت مستقیم و اولیه بر عهده نمایندگان و به طور غیر مستقیم و در راستای قوانین حق‌العمل کاری و توافقات دو طرف بر دوش مشتریان قرار می‌گیرد، لذا دو طرف یک قرارداد خرید بورسی شامل نماینده خرید و نماینده فروش می‌باشد، با این وجود عملکرد رژیم‌های حقوقی در مقابل اندازه مسئولیت کارگزار غیر مستقیم و اصیل در مورد معاملات انجام‌شده برای او تفاوت دارد، ولی در بورس اجناس ایرانی در بعضی قوانین مسئولیت‌هایی بر دوش مشتریان گذاشته است و همچنین در مواردی، اقدامات آن‌ها اصل داد و ستد را در حیطه تزلزل قرار داده است که قابل رسیدگی و تفسیر است. در این مطلب مناسب است نخست به شرح حقوق و معاهداتی که از خرید بورسی بر دوش مشتریان اصیل قرار می‌گیرد، بپردازیم و پس از آن حقوق و مسئولیت‌های نمایندگان بورسی را مورد بررسی قرار دهیم (۱۳-۱۲).

قبل از ورود به این مطلب، لازم به بیان است که در نظام‌های مالی متفاوت در مورد اعتماد از اعمال مسئولیت‌های تعامل کنندگان ترتیب‌هایی اندیشیده‌اند و اصولی برای تسویه داد و ستدها برای پیشگیری از خودداری هر یک از دو طرف بیان شده است که اصلی‌ترین آن‌ها قاعده «پرداخت در ازای تحویل» است. بر طبق این قاعده هیچ پرداختی انجام نمی‌شود، مگر اینکه استرداد در برابر آن صورت گیرد. در بیشتر بورس‌های کشورهای مدرن نقش استرداد اجناس و همچنین پرداخت پول از راه دستگاه‌های تسویه و پایاپای انجام می‌پذیرد و گرچه اعمال نقش طرف داد و ستد مرکزی به

وسیله اتاق‌های تسویه و پایاپای صورت می‌گیرد (۱۴)، ولی در رژیم مالی و بازار سرمایه ایران دست کم در حیطه بازار فیزیکی بورس‌های اجناس چنین نقشی به اتاق‌های پایاپای نداده است، هرچند که در کار تصمیمات لازم جهت مطمئن شدن از استرداد و دگرگونی و اعمال مسئولیت‌های تعامل کنندگان اندیشیده شده است.

**۲-۱-۱. حقوق و تعهدات مشتریان:** آن چیزی که مطابق با اصول حاکم بر حق‌العمل کاری می‌باشد، نداشتن حس مسئولیت مشتریان در برابر داد و ستدهای منعقدشده به وسیله نمایندگان خود است. ولی همانطور که بیان شد، در قوانین حاکم بر این داد و ستدها در بعضی مسائل مشتریان هم با قرارداد اصلی درگیر شده و دارای حقوق و مسئولیت‌هایی می‌گردند<sup>۲</sup>. به همین علت لازم دانستیم نخست به شرح ضروریات حاکم بر مشتریان اعم از خریدار و فروشنده بپردازیم و پس از آن به معاهدات و حقوق نمایندگان این معاملات اشاره نماییم.

**۲-۱-۲. حقوق و تعهدات کارگزاران:** بعد از شرح کوتاهی از حقوق و مسئولیت‌های دو طرف اصلی پیمان‌های بورسی، سزاوار است به حقوق و مسئولیت‌های نمایندگان یا افراد فعال در این زمینه هم اشاره نماییم. با توجه به این کار که چگونگی کار نمایندگان بورس اجناس را بر حق‌العمل کاری ساخته‌ایم، بر طبق معمول، در این نوع کار، فرد حق‌العمل کار می‌باشد که ملزم به اجرای تعهدات در برابر طرف داد و ستد خود است؛ اموری که در قوانین معاملاتی گوناگون به آن اشاره شده است از قبیل اینکه در ماده ۷۹ احکام تسویه بورس انرژی در مورد تعهدات نمایندگان این‌گونه قرار شده است که «کارگزار مسئولیت ایفای تعهدات مشتریان در مقابل اتاق پایاپای را به شرحی که در این دستورالعمل ذکر شده است، بر عهده دارد.» لازم به ذکر است که در ماده ۳۰۱، ۳ قاعده حاکم بر حقوق پیمان‌های اروپا ملزم‌های قراردادهای واسطه‌گری که در آن اسمی از اصیل نبرده باشند، عبارتند از واسطه و طرف داد و ستد مگر اینکه شرایطی بر ضد آن بیان شده باشد (۱۵). در ماده ۴۷ قانون فوق به بورس‌های اجناسی ترکیه<sup>۳</sup> هم،

است به رسیدگی «اعلامیه تسویه وجوه» و «حواله خرید کالا» بپردازد.

بر طبق بند ۴ ماده ۱ بخشنامه تسویه، اطلاعیه تسویه وجوه «مدارکی است که بعد از تسویه داد و ستد به وسیله اتاق پایاپای صادر و به نماینده خریدار و فروشنده عرضه می‌گردد.» کارهای تسویه هم که در این بند از ماده ۱ به آن اشاره شده است، عبارت است از «واریز وجه قرارداد در تسویه نقدی، ارائه اسناد در تسویه اعتباری و معاملات نسبه طبق فرمت شرکت و همچنین واریز کارمزدهای مربوطه طبق مقررات»، لذا وظیفه نماینده فروشنده مبنی بر صادرکردن حواله بیع اجناس هنگامی است که وجوه قرارداد یا مدارک مربوطه و همچنین کارمزدهای خرید و فروش به وسیله نماینده خریدار پرداخت شده باشد. در این هنگام است که نماینده فروشنده ملزم به صادر نمودن حواله خرید می‌باشد.

استرداد اجناس موضوع قرارداد، وظیفه دیگر نماینده فروشنده در داد و ستدهای بورس اجناس می‌باشد. بر طبق ماده ۱۹ بخشنامه تسویه «تحویل کالای موضوع قراردادهای نقد، نسبه و سلف طبق زمان تحویل اعلام شده در اطلاعیه عرضه توسط کارگزار فروشنده انجام می‌گیرد.» نماینده فروشنده ضمن وظایف فوق، ملزم به پرداختن زیان ناشی از بدحسابی خود و یا مشتری خویش هم است همانطور که بیان شد، در صورت صادر نکردن حواله بیع در زمان تعیین شده به وسیله نماینده فروشنده، خرید و فروش فسخ و زیان‌های تعیین شده در آن از مشتری و در صورت کافی نبودن دارایی و طلب وی نزد اتاق پایاپای، از نماینده وی اخذ می‌شود.<sup>۴</sup>

**۲-۱-۲. حقوق و تعهدات کارگزار خریدار:** بر طبق ضابطه‌های عمومی حاکم بر پیمان‌های خرید و فروش، آن چیزی که بر دوش طرف خریدار می‌باشد، عبارت از پرداختن وجه داد و ستد است که در معاملات بورسی در شکل وظیفه به «انجام امور تسویه» ایجاد و پدید آمده است. همان گونه که در قسمت قبل بیان شد، اعمال امور تسویه به معنای پرداخت وجوه نقد در تسویه نقدی و استرداد مدارک در تسویه اعتباری است.

وساطت‌های خرید و فروشی نظر به اینکه به اسم خود و به حساب فردی دیگر داد و ستد نمایند و یا اینکه به اسم و حساب فردی دیگر خرید و فروش کنند به دو بخش نمایندگی با حق‌العمل کاری (Commission Agent) و کارگزاری (Broker) تقسیم شده‌اند که در بخش اخیر واسطه تنها نسبت به اجرای داد و ستد مبادرت کرده است و مداخله‌ای بیشتر از آن در داد و ستد نمی‌کند و معمولاً هم مسئولیتی بر دوش وی نمی‌باشد. در حقیقت می‌توان بیان نمود آنچه معیار وکیل یا واسطه یا حق‌العمل کاربودن کارگزار می‌باشد عبارت از سطح مسئولیت‌های او در برابر خرید و فروش است و اینکه کارگزار به نام چه فردی اعمال کند اثری در چگونگی فعل او ندارد (۱۶)، نکته قابل توجه آن است که در مقررات و قواعد ایران و حتی در نوشتارهای حقوقی بر «به نام» فردی دیگر داد و ستد کردن اصرار می‌ورزید، گرچه بر طبق دیدگاه اصیل برملاننده، در رژیم حقوقی انگلیس بر عکس نظام حقوقی آلمان و استرالیا در حالتی که کارگزار با نام اصیل خرید و فروش کند فرد سوم طرف داد و ستد و اصیل در برابر هم تعهد داشته و هر کدام توانایی ارائه دعوا بر ضد یکدیگر دارند و در حالتی که کارگزار به اسم خود مبادرت به انجام داد و ستد کند، ایشان در برابر هم معاهده و حق طرح دعوا ندارند (۱۶). در بیشتر کشورهای متابع رژیم حقوقی کامن‌لا در صورتی که کارگزار به اسم خود مبادرت به انجام داد و ستد می‌کند، اما طرف معامله بر این دانایی دارد که خرید و فروش سرانجام برای اصیل می‌باشد دوباره هم تعامل کنندگان اصلی این پیمان‌نامه و تعهدکنندگان آن کارگزار و ثالث در رو به روی هم هستند.

**۲-۱-۳. حقوق و تعهدات کارگزاران فروشنده:** صادر نمودن حواله بیع اجناس، معاهده‌ای است که بر عهده نماینده فروشنده در بخشنامه تسویه گذاشته شده است بر طبق ماده ۱۱ این بخشنامه «پس از صدور اعلامیه تسویه وجوه، نماینده فروشنده حواله خرید کالا را طبق ضوابط این دستورالعمل صادر می‌نماید.» در امتداد تفسیر و تحلیل این قوانین سزاوار

در سیستم‌های خرید و فروش وجود ندارد، مگر اینکه صاحب آن اقدام به انجام کارهای پیگیری درازمدت و خسته‌کننده برای به دست آوردن آن نماید. در مورد موضوع بحث که قرارداد بیع می‌باشد، در حالتی که دارایی مشخصی منتقل شده باشد، نماینده اجرا در اعمال مفاد ماده ۴۲ قوانین اجرای احکام مدنی مبادرت به گرفتن عین مال از فروشنده و واگذاری آن به مشتری می‌نماید، ولی در مورد خرید اموال کلی - که در بورس کالا اینچنین می‌باشد - شرایط گوناگون می‌باشد، چراکه ظاهر تعهد بر معین نمودن مصادیق و تحویل آن پررنگ‌تر از تسلیم مال موجود می‌باشد (۱۷).

بیان این مورد لازم می‌باشد که در قوانین موضوعه در بازار سرمایه حاوی داد و ستد یا تسویه بورس انرژی و خرید و فروش یا تسویه بورس کالا، به این امر تصریح گردیده است که در مسائل حادثه‌های بورس ماژور، هیچ کدام از تعهد کنندگان تعهدی در برابر خلاف تعهد ندارند. بر طبق ماده ۳۵ بخشنامه تسویه در بورس اجناس «در صورتی که عدم ایفای تعهدات هر یک از طرفین ناشی از حوادث غیر مترقبه باشد خریدار و فروشنده یا هر دوی آن‌ها حسب مورد با حکم مرجع ذیصلاح مسئولیتی در قبال تأدیه مبالغ، خسارت‌ها و جریمه‌های موضوع این دستورالعمل به عهده نخواهند داشت.» آنچه در مورد اصول عمومی قراردادها مبتنی بر آماده‌سازی رژیم اعمال اجباری قراردادهای وضع شده از راه حق حبس مجراست، نسبت به قراردادهای بورسی رد می‌باشد، چراکه موقعیت و اقتضاهای حق حبس در این نوع داد و ستدها وجود ندارد و در حالت بودن هم مبنی بر قوانین حاکم و منتسب به تصمیم تعامل‌کنندگان می‌باشد، چراکه با معین نمودن اجل جهت اعمال هر کدام از مسئولیت‌ها، حق حبس هم زدوده می‌شود. در حقیقت تعامل‌کنندگان قراردادهای بورسی با پذیرش اجل در اعمال مسئولیت‌های ناشی از قرارداد به صورت ضمنی احتمال گروکشی در تحویل معاهده‌های متقابل را از خود رد نموده است.

۲-۱-۲. شیوه جبران نقض کامل قرارداد: در مسائلی که یکی از دو طرف از اعمال قرارداد اجتناب می‌کند، تضمین

نماینده خریدار هم مانند نماینده فروشنده متعهد به دادن زیان نشأت گرفته از قصور در اعمال معاهده‌های خود و یا مشتری خودش است. به سبب ماده ۱۵ و ۱۶ بخشنامه تسویه، در حالتی که دیرکرد در اعمال امور تسویه تا ۷ روز باشد خسارت دیرکرد در تسویه اخذ می‌گردد و بعد از آن معامله فسخ می‌شود. در صورت فسخ هم نماینده خریدار ملزم به دادن زیان نشأت گرفته از معامله به همراه دیگر زیان‌ها به سود فروشنده می‌باشد.

نمایندگان خریدار در جریان انجام داد و ستد امکان دارد مبادرت به خرید گروهی برای کلیه سفارشات دریافتی و همگانی مشتریان نموده و پس از قطعی بودن خرید و فروش در بورس، آن را میان مشتریان خود تقسیم کنند. این کار از راه ایجاد کد معاملاتی تجمیعی به وسیله نماینده قابل اعمال می‌باشد، به گونه‌ای که نخست نماینده مبادرت به بیع با این کد نموده و پس از آن اجناس خریداری شده را به مشتریان اختصاص می‌دهد. به سبب ماده ۲۹ بخشنامه خرید و فروش بورس اجناس «کارگزاران می‌توانند جهت شرکت در رقابت برای خرید از یک کد تجمیعی استفاده نمایند. کد تجمیعی صرفاً بر اساس سفارش‌های ثبت شده مشتریان در سامانه و پس از کنترل مقررات مربوط به ثبت سفارش، استفاده می‌شود.» بعد از اینکه با کد معاملات تجمیعی<sup>۵</sup>، مبادرت به بیع کالا انجام گرفت، نماینده خریدار بر مبنای سفارشات ثبت شده و مراعات نمودن معیارهای رقابتی و قواعد منصفانه، اجناس خریداری شده را به مشتریان ارائه می‌دهد.

۲-۲. نقض قرارداد و شیوه‌های جبران: رد قرارداد در عموماً حقوقی با تضمین‌هایی همانند ضرورت و اجبار رو به رو می‌باشد. به این مفهوم که در صورت اجتناب متعهد از اعمال تعهد، رییس قضایی مبادرت به اجبار وی مبتنی بر اعمال مفاد قرارداد می‌نماید، ولی در داد و ستدهای بازار سرمایه به خصوص بورس اوراق بهادار احتمال متصل شدن به روش‌های تلافی و تضمینات عمومی وجود ندارد. برای نمونه امکان پیگیری صاحب اوراق بهادار و دریافت عین آن در دست‌های متعاقب به علت فروش‌های مستمر و پشت سر هم

اجرای پیش‌بینی‌شده در قوانین چندان با اصول عمومی قراردادها موافق به نظر نمی‌آید، بلکه رسومی است که از مختص‌های داد و ستدها در بورس اجناس تلقی می‌گردد. بر طبق اصول عمومی قراردادها، با احتمال اینکه فرد متعهد از اعمال مسئولیت‌های خود امتناع کند، ضرورت و اجبار او به اعمال به اصول قرارداد، نخستین روش جبرانی است که در مقابل او قرار می‌گیرد. ضرورت اعمال قرارداد، هرچند در دستورات عقدها و قراردادها بیان نشده، ولی در ماده ۲۳۷ قانون مدنی و در ضرورت و اجبار به وفاداری به شروط در دستورات شرطها آمده است. لازم به بیان است، در حالی که رژیم حقوقی کامن‌لا اعمال عین مسئولیت را همچون یک روش تلافی استثنایی برمی‌شمارد، رژیم حقوقی رومی ژرمنی آن را اصل و شیوه معمول تلافی رد مسئولیت‌های قراردادی می‌داند. با این وجود بر مبنای بعضی ملاحظات بازرگانی، در رژیم رومی ژرمنی هم اعمال عین مسئولیت‌ها جای خود را به حق ابطال یا طلب زیان برای فرد آسیب‌دیده از رد قرارداد می‌دهد. با این حال در داد و ستدهای بورس اجناس قوانینی مبنی بر ضرورت یا اجبار متعهد به اجرای تعهد مشاهده نمی‌گردد، بلکه سرانجام تضمین اعمال قوانین در مقررات جهت اجرانکردن تعهد، گرفتن وجه الزامی بابت دیرکرد و همچنین رد یا ابطال قرارداد است. لازم به ذکر است که حتی به احتمال تقاضای استرداد با دیرکرد اجناس به وسیله خریدار، قوانین بورس، موارد جانشین را حق رد قرارداد به وسیله خریدار قرارداده است. بر طبق تبصره ۱ ماده ۲۶ بخشنامه تسویه بورس اجناس «تحویل با تأخیر حداکثر تا ۶۰ روز تقویمی پس از مهلت تسویه برای معاملات نقدی و نسیه و پس از سررسید برای معاملات سلف امکان‌پذیر است. در صورت عدم تحویل کالا توسط فروشنده، خریدار می‌تواند از طریق کارگزار خریدار درخواست فسخ معامله را تا پایان آخرین روز مهلت ۶۰ روزه مذکور به اتاق پایاپای ارائه نماید.» امکان دارد بر این ادعا ایراداتی گرفته شود که معین‌نمودن وجه الزام و دیگر زیان‌های قراردادی، موجب ایجاد تزلزل در قرارداد نشده و خریدار خود مختار در انتخاب است، به گونه‌ای

که او علاوه بر استحقاق در دریافت زیان بابت دیرکرد در استرداد وی عدم تسلیم اجناس، همچنان ذی‌حق در ملزم نمودن فروشنده به تسلیم بوده و محق در اقامه طرح دعوی نزد مرکز صلاحیت دار برای اداکردن حق خود خواهد بود، همان‌گونه که در جریان قضایی همچنین عملکردی ثابت شده است، ولی چنین عیبی قابل برطرف‌شدن می‌باشد، به این شرح که اولاً در داد و ستدهای بورسی که فعالان آن نمایندگان بوده‌اند و فاقد رفاهیات مورد نیاز برای استرداد اجناس می‌باشند، ضرورت به تسلیم به وسیله ایشان قابلیت اعمال ندارد؛ ثانیاً نادیده‌گرفتن نمایندگان و رجوع به مشتریان آنان جهت تسلیم اجناس با ذات و باطن بازار و کارگزاری غیر مستقیم نمایندگان فعال در آن مخالف می‌باشد و آن چیزی که لایق بود، افتتاح انبارهای مورد قبول بورس و اعتماد داشتن از وجود اجناس در انبار پیش از ارائه آن است که معمولاً در بازار ایران همچنان راه‌اندازی نگردیده است؛ ثالثاً و مهم‌تر اینکه در قوانین بورسی «امکان» دیرکرد در استرداد حداکثر تا ۶۰ روز تقویمی برای فروشنده در عین الزام به دادن وجه ضروری پیش‌نگری گردیده است و این احتمال در حقیقت حقی است که قوانین به تعامل‌کنندگان در اجرای مسئولیت‌هایشان داده و به نوع ضمنی نیز به تصمیماتشان وابسته است (۱۸).

۲-۲-۲. شیوه جبران تأخیر در اجرای قرارداد: تأخیر در اعمال قرارداد، دومین گونه ابطالی است که از سمت هر یک از دو طرف قرارداد بورسی قابل انجام است؛ خریدار در دادن وجه یا به تعبیر بخشنامه، در اعمال امور تسویه و فروشنده در صادر نمودن حواله اجناس مورد قرارداد مخیر است. لازم به ذکر است تضمینات اجرایی که در بخشنامه تسویه جهت دیرکرد در اعمال معاهدات وجود دارد؛ عبارت از رد و ابطال و دادن وجه ضرورتی است که هر کدام احتیاج به تفسیر دقیقی از جنبه ضابطه‌ها و اصول عمومی دارد.

قبل از داخل‌شدن به گفتگو این اطمینان داده می‌شود که در هر داد و ستدی از بورس اجناس، اعمال امورات تسویه (تعهد خریدار) تا ۳ روز فرصت دارد که در بخشنامه به آن شرح

این موضوع که در برخی مواقع علیرغم وجود و رضایت طرفین معامله و محبابودن شرایط قرارداد، به واسطه الزاماتی که در بازار وجود دارد، نمی‌توان معامله کرد و یا نماد خاصی که قصد معامله آن وجود دارد، در وضعیت ممنوع بوده و حتی از ثبت سفارش برای خرید جلوگیری به عمل می‌آید که از جمله موارد محدودکننده در انعقاد قراردادها بوده و به عنوان نقصان‌های این بازار به شمار می‌رود.

مسئله دیگری که می‌توان به عنوان مضرات و عیوب معاملات در بازار سرمایه که ناشی از قواعد اختصاصی قراردادها است، به آن اشاره کرد، قواعد مربوط به محدوده قیمت می‌باشد. برخلاف قواعد عمومی مربوط به معاملات عادی که طرفین ثمن معامله را تعیین می‌نمایند، در بازار سرمایه محدوده قیمت با توجه به شرایط بازار و معمولاً توسط عضو ناظر که به عنوان شخص ثالث در قرارداد است، تعیین می‌گردد. این مسئله موجب می‌گردد تا عملاً خریداران مجبور شوند تا معاملات را به قیمتی که تعیین می‌شود، انجام دهد. این موضوع برخلاف قصد و اصول حاکمیت و آزادی اراده‌ها که از اصول اساسی معاملات عادی و قواعد عمومی قراردادها می‌باشد است و ناشی از قواعد اختصاصی قراردادها در بازار سرمایه می‌باشد.

از طرف دیگر با توجه به شرایطی که برای معاملات و عرضه موارد در این بازار وجود دارد، اثرات مثبتی نیز به عنوان محاسن و منافع این بازار و معاملات آن وجود دارد. منافی که بر این بازار متصور است، فارغ از منافع عمومی و اقتصادی آن، در خصوص انجام معاملات به واسطه شرایط اختصاصی که در آن حاکم است بوده و نتیجه این قواعد اختصاصی قراردادها می‌باشد، از جمله این موارد می‌توان به قواعد مربوط به شفافیت در این بازار اشاره کرد که به واسطه آن، تمامی مواردی که برای معامله مورد نیاز است، در دسترس خواهد بود. از طرفی با این قاعده خریداران نیز از امنیت بیشتری جهت انجام معاملات خویش برخوردار می‌باشند و با توجه به اسنادی که منتشر خواهد شد، با آگاهی کافی اقدام به انعقاد معامله می‌نمایند، موضوعی که در معاملات عادی مفقود بوده و موجب بروز مشکلات عدیده‌ای شده است. همچنین در این

داده‌اند، اعم از اینکه داد و ستد نقدی باشد یا نسبی یا سلف. بر طبق بند ۱۵ ماده ۱ بخشنامه تسویه و پایاپای اجناس «مهلت تسویه ۳ روز کاری پس از روز انعقاد معامله است. مهلت‌بندی اعمال امور تسویه طی مهلت تسویه بر مبنای تصویبات هیأت‌مدیره شرکت معین می‌شود»، لذا تضمینات اجرایی مورد گفتگو بعد از مهلت تسویه آغاز و مورد حساب و بررسی قرار می‌گیرند.

همین کار در مورد استرداد اجناس (تعهد فروشنده) هم مورد بررسی قرار گرفته است و جهت تسلیم اجناس در خرید و فروش‌های نقد و نسبی، مهلت ۳ روز بعد از فرصت تسویه و برای استرداد اجناس در داد و ستدهای سلف با سررسید کمتر از ۳۰ روز، ۵ روز تقویمی (حاوی روزهای تعطیل و غیر تعطیل) و در داد و ستدهای سلف با سررسید بالاتر از ۳۰ روز، ۱۵ روز تقویمی قرارداد شده است) (ماده ۱۹ بخشنامه تسویه بورس اجناس).

**۲-۳. مضرات، منافع و آثار بارشده بر بازار سرمایه ناشی از قواعد اختصاصی قراردادها:** مقررات حاکم بر بازار سرمایه که برای انعقاد معاملات رعایت آن‌ها ضروری می‌باشد و بخشی از آن‌ها که به عنوان قواعد اختصاصی قراردادها و معاملات در این گونه بازارها مجری است، اثرات و نتایجی را به دنبال دارد که موجب آثار مثبت و منفی مختلفی می‌گردد. مضرات و منافی گوناگونی در بازار سرمایه و معاملات در این بازار وجود دارد که با توجه به شرایط و قواعد خاص حاکم بر نحوه انجام معاملات در این بازار است. از سویی با توجه به اینکه شیوه انجام معاملات در بازار مشخصاتی دارد که از آن نمی‌توان صرف نظر نمود، موجب محدودشدن قصد و اراده طرفین معامله می‌گردد و افراد همچون معاملات عادی به صرف قصد و رضا نمی‌توانند عقد را محقق سازند. همچنین شرایط مشخصی نیز برای زمان و حتی طرفین قرار داده شده است که باعث می‌گردد آزادی اراده‌ها که اصلی اساسی در حقوق می‌باشد، خدشه‌دار شود. این موضوع که نمی‌توان در هر زمان معامله نمود و تنها در زمان‌های مشخص شده اقدام به انجام معاملات نمود، از جمله معایب این بازار است. همچنین

در صورت دریافت کمتر مستحق گرفتن وجه اضافی خود می‌باشد.

چنین قواعدی در بورس کالا، اگرچه با بعضی مواد قانون مدنی در تسلیم کالا منطبق نمی‌باشد، ولیکن بر اساس توانایی نسبت دادن مفاد قوانین به اراده فعالان بازار و همچنین با عنایت به آمره‌نبودن قواعد در قانون مدنی می‌توان قائل بر اختصاصی بودن سیستم معاملاتی بورس در این خصوص هم شد. در قراردادهای بورسی علاوه بر اینکه بورس، مشتریان و کارگزاران درگیر در معامله می‌باشند، شخصی ثالث (البته در بعضی کشورها همان بورس) به شکلی تضمین معامله می‌نماید و طرفین را از رسیدن به هدف خویش مطمئن می‌سازد. چنین فردی «اتاق پایاپای» نام دارد که در برابر فروشنده نقش خریدار و در برابر خریدار نقش فروشنده ایفای می‌نماید، البته چنین ضمانتی بر پایه وثایق تودیع‌شده به وسیله کارگزاران نزد این اتاق می‌باشد که در زمان تعیین‌شده نسبت به وصول آن اقدام مقتضی انجام می‌شود.

### مشارکت نویسندگان

محدثه‌سادات رضوی: نگارش مقاله، فراهم کردن نمونه‌های مطالعه، تحلیل و تفسیر نتایج، جمع‌آوری منابع. مصطفی نامدار پوربنگر: راهنمایی و نظارت بر مقاله. نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

### تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

### تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

### تأمین مالی

بازار به واسطه نظارت‌هایی که انجام می‌شود، امکان فریب و تقلب به مراتب کمتر از معاملات عادی است، موضوعی که از اصل نظارت که به عنوان قاعده اختصاصی بازار سرمایه است ناشی می‌شود. سرعت معاملات نیز به عنوان خصیصه دیگر این بازار و معامله در آن است که از جمله منافع بازار سرمایه است. بنابراین قواعد اختصاصی که بر معاملات بازار سرمایه حاکم است اثرات مثبت و منفی نیز در پی دارد که عموماً ناشی قواعد و اصول مجری در آن است و معامله‌کنندگان در این بازار از آن بهره‌مند خواهند شد.

### نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر به بررسی مقایسه قواعد عمومی قراردادها با قواعد اختصاصی حاکم بر معاملات بازار سرمایه (بورس) پرداخته شد. نتایج نشان داد با توجه به ضرورت حفظ نظم در بازار معاملات بورس و همچنین خود انتظامی نهادهای مجری قانون، اختیار اشخاص و فعالان فقط محدود به پذیرش قالب‌های از پیش تعیین‌شده به وسیله ناظران این بازارها بوده و با ورود به آن سایر الزامات و قواعد بر وی تحمیل می‌شود، به طوری که می‌توان مدعی نقش انفعالی برای مشتریان در این بازار به جز در مورد قیمت‌ها بود.

اصل آزادی قراردادها و حاکمیت اراده در این بازار تماماً تحت الشعاع قواعد انتظامی آن قرار گرفته است و در توجیهی کلی، همه مقررات به طور ضمنی، قابل انتساب به اراده فعالان این عرصه می‌باشد. در حقیقت در بازارهای بورسی، نقش‌آفرینان اصلی عبارتند از کارگزاران دارای مجوز از سازمان‌های نظارتی و مشتریان این کارگزاری‌ها نقش چندانی در معاملات ندارند، به خصوص اینکه بازاری تماماً کارگزارمحور باشد. در قراردادهای بورسی، فروشنده ملزم به تحویل کالا بر طبق عین تعهد خود در مقدار نبوده و امکان دارد زمان تحویل کالا، بخشی از میزان اطلاعیه عرضه کم یا زیاد گردد که البته این میزان هم می‌بایست منطبق بر مقررات باشد. در این شرایط مشتری در صورت اخذ کالای مازاد موظف به پرداخت مازاد و



وثایق یا مطالبات فروشنده نزد اتاق پایاپای و در صورت عدم تکافو، از محل وثایق کارگزار فروشنده نزد اتاق پایاپای تأمین می‌گردد؛ - در صورتی که عدم صدور حواله خرید کالا ناشی از فعل یا ترک فعل کارگزار فروشنده باشد، وی باید ۵ درصد ارزش معامله را به عنوان خسارت انفساخ به همراه سایر هزینه‌های مصوب شامل دوسر کارمزد بورس، کارمزد کارگزار خریدار، دوسر کارمزد تسویه و دوسر حق نظارت سازمان را پرداخت نماید. خسارت انفساخ معامله باید حداکثر یک روز کاری پس از اعلام اتاق پایاپای و به صورت یک جا به نفع خریدار و به حساب بستانکاران موقت «شرکت» واریز شود.»

۵. مطابق بند ۲۸ ماده ۱ دستورالعمل معاملات بورس کالا و بند ۴۸ ماده ۱ دستورالعمل معاملات بورس انرژی، کد تجمیعی «کد معاملاتی مجازی است که برای ورود همزمان سفارش‌های خرید یا فروش هم قیمت چند مشتری توسط کارگزار، در سامانه معاملات تعریف می‌گردد.»

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

### ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

### پی‌نوشت

۱. به موجب این ماده «در صورتی که انجام امور تسویه با تأخیر و حداکثر تا ۷ روز تقویمی پس از مهلت تسویه انجام شود، کارگزار خریدار به ازای هر روز تقویمی تأخیر موظف به پرداخت ۰/۲۵ درصد ارزش معامله می‌باشد...»

۲. عموماً مشتریان بورس کالا از دو دسته تشکیل می‌شوند: دسته اول کسانی هستند که می‌خواهند از ریسک نوسان قیمت‌ها در امان باشند و در بورس‌های کالا، به عنوان خطرپوش ریسک شناخته می‌شوند، مانند تولیدکنندگان کالا، مصرف‌کنندگان عمده و...؛ دسته دوم، برخلاف گروه اول کسانی هستند که از نوسانات قیمت استفاده کرده و سود خود را حداکثر می‌کنند که این گروه با نام سوداگران معرف می‌شوند.

3. The Law of the Union of Chambers and Commodity Exchanges of Turkey and the Chambers and Commodity Exchanges.

۴. به موجب ماده ۲۲ دستورالعمل تسویه «در قراردادهای نقد، نسیه و سلف در صورت عدم صدور حواله خرید کالا طی مهلت مقرر در ماده ۲۰ این دستورالعمل، قرارداد منفسخ می‌گردد و اصل وجه و خسارت‌ها و کارمزدها به شرح زیر پرداخت می‌شود: - در صورتی که فروشنده به هر نحو از صدور حواله خرید کالا توسط کارگزار فروشنده طی مهلت مقرر جلوگیری نماید، وی مکلف است ۵ درصد ارزش معامله را به عنوان خسارت انفساخ به همراه کلیه هزینه‌های مصوب شامل دوسر کارمزد بورس، کارمزد کارگزار خریدار و فروشنده، دوسر کارمزد تسویه و دوسر حق نظارت سازمان را پرداخت نماید. در این حالت خسارت و کارمزدهای موضوع این بند از محل

## References

1. Safai SH. General Rules of Contracts. 6th ed. Tehran: Mizan Legal Foundation; 2017. p.44. [Persian]
2. Katouzian N. General Rules of Contracts. 6th ed. Tehran: Sohami Publishing Company; 2016. Vol.1 p.145. [Persian]
3. Hosseini SA, Morshidi F. The influence of investors' emotions on the dynamics of Tehran Stock Exchange transactions. Journal of Financial Accounting and Audit Research. 2018; 11(44): 1-22. [Persian]
4. Sadeghi M, Yadgari F. Legal-Economic Analysis of Stock Transactions Status Registered in Stock Exchange Organization Outside the Stock Exchange. Business Research Quarterly. 2018; 24(95): 69-97. [Persian]
5. Ahmadvand KH, Azadi S. Jurisprudential Pathology of Stock Exchange Transactions. Judicial Law Research Journal. 2019; 1(2): 31-52. [Persian]
6. Karimi N. Explanation of the principles governing stock market transactions. Thesis for the Master's Degree in Private Law. Tehran: Shahed University; 2013. p.16. [Persian]
7. Ebrahimi M. Legal Basics of Selling Shares in the Stock Exchange. 1st ed. Tehran: Navai Madrasah Publishing House; 2012. p.1250. [Persian]
8. Arya K. Monetary and foreign exchange policies. 2nd ed. Tehran: Kavir Publications; 2010. p.269. [Persian]
9. Xian P. Analytical investigation of the nature of the legal regime governing stock transactions in the capital market. Master's Degree Thesis. Tehran: Khwarazmi University Press; 2012. p.25. [Persian]
10. Bagheri M. The role of corporate law and the stock market in the success of privatization. 1st ed. Tehran: Published by the Islamic Council Research Center; 2011. p.136. [Persian]
11. Economic Vice President and Management Support for Economic Studies, Planning and Training of Iran Commodity Exchange Company, "National Cash Exchange of India (NSE) Trading Tools and Rules, Its Adaptation to Commodity Exchange and Some Suggestions", Report 88310. 2018. p.3. [Persian]
12. Sotoudeh Tehrani H. Business Law. 6th ed. Tehran: Dadgostar Publishing House; 2014. Vol.4 p.23. [Persian]
13. Skini R. Business Law (General, Commercial Transactions, Merchants and Organization of Commercial Activity). 8th ed. Tehran: Samit Publications; 2006. p.7. [Persian]
14. Simon M. Securities Trading (Operations and Settlement). Translated by Parsaian A. 1st ed. Tehran: Published by the Stock Exchange Information and Services Company; 2010. p.313-316. [Persian]
15. Lando O, Beale H. Principles of European Contract Law: Parts 1 and 2, Combined and Revised. Hauge: Kluwer Law International; 2000. p.220-221.
16. Study Group on a European Civil Code and the Research Group on EC Private Law (Acquis Group) Based in part on a revised version of the Principles of European Contract Law. Principles, Definitions and Model Rules of European Private Law Draft Common Frame of Reference (DCFR). Edited by Von Bar C, Clive and E, Schulte Nölke H, Beale H, Herre J, Huet J, et al. Munich: Sellier European Law Publishers GmbH; 2012. p.423-454.
17. Katouzian N. Civil Rights, General Rules of Contracts. 4th ed. Tehran: Publishing Company; 2013. Vol.4. [Persian]
18. Stock Exchange and Securities Organization, Special Publication of the Stock Exchange and Securities Organization (7th issue - first part). 1st ed. Tehran: Published by Stock Exchange Publications affiliated with Stock Exchange Information and Services Company; 2013. p.7. [Persian]